

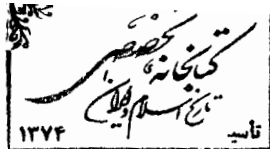
نکاتی از جغرافیای تاریخی باستان‌شناسی سیراف

تألیف و نگارش
حسین محبت‌یاری

از انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان بوشهر

چاپ علمی - بوشهر

بمناسبت هشتمین جشن فرهنگ و هنر در استان بوشهر



تقدیم به خیر استاد محترم

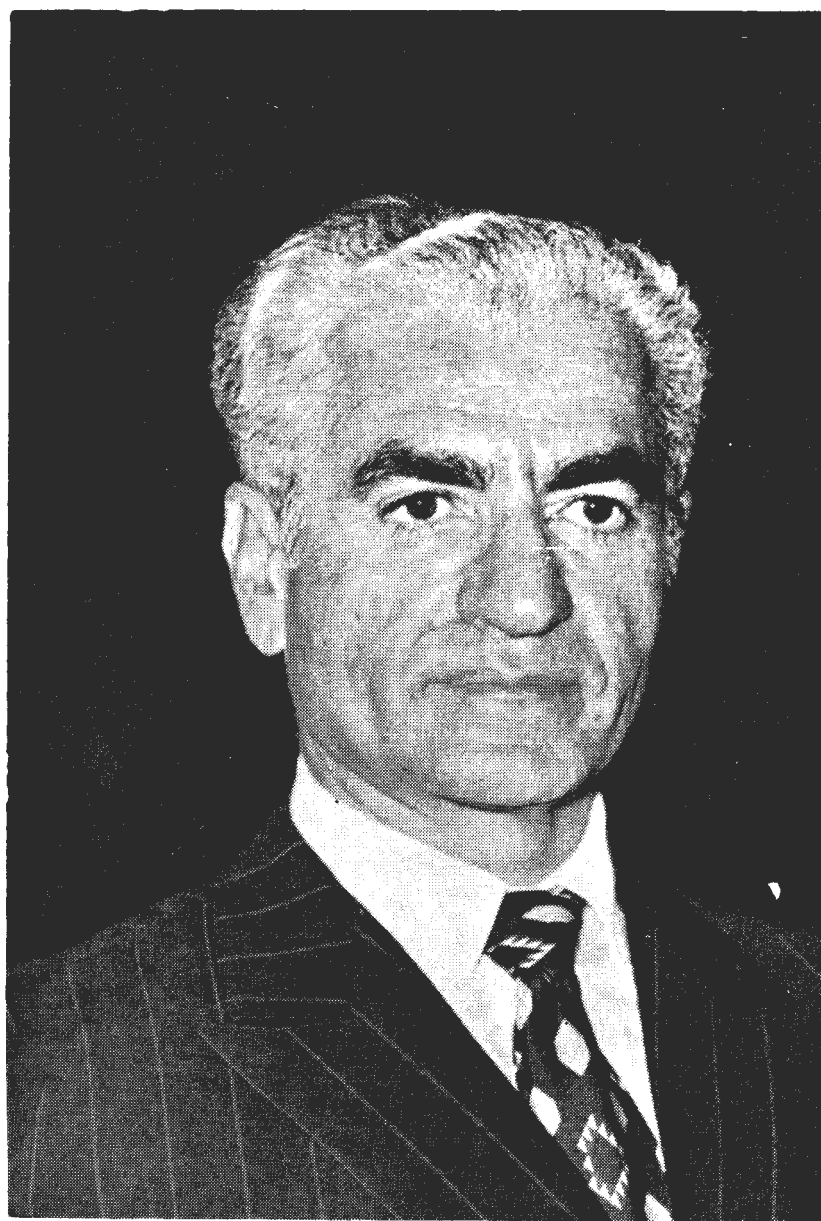
نگاتی از جغرافیای تاریخی باستانشناسی سیراف

تألیف و نگارش
حسین نجبئیاری

مکس شد

از انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان بوشهر

چاپ علوی - بوشهر



آثار باستانی ایران نه فقط برای خود
این مملکت باعث افتخار است بلکه باعث
افتخار بشریت و فرهنگ تمام جهان است

از فرمایشات شاهنشاه آریامهر

هفدهم مهر ماه ۱۳۴۵

خلیج فارس از گذشته‌های بسیار دور بسبب واقع شدن بر گذرگاه شهرستانهای مختلف آسیای جنوب غربی و خاورمیانه اهمیت سیاسی، نظامی و اقتصادی فوق‌العاده‌ای داشته که تا امروز محسوس است به‌نجام تحقیق در تاریخ فرهنگ بشری بکرات بمطالعی برمیخوریم که مستقیماً با خلیج فارس ارتباط میابد در کرانه‌های شمالی خلیج فارس بنادر متعددی وجود داشته که تأثیرات گوناگونی بر شهرهای خلیج فارس داشته که یکی از مهمترین آنها بندر تاریخی سیراف است که بسبب دارا بودن شرایط ویژه جغرافیائی و اقتصادی روزگاری دراز مرکز تجارت حوزه خلیج فارس بشمار میرفت کاوشهای باستانشناسی سیراف که از سال ۱۳۴۵ خورشیدی بمدت هفت فصل توسط هیئت مشترک باستانشناسی ایران - انگلیس انجام گرفت گوشه‌هایی از عظمت گذشته این بندر مهم را جلوه‌گر ساخت از سال ۱۳۵۳ هیئاتی از باستانشناسان ایرانی بسرپرستی آقای حسین بختیاری مؤلف کتاب حاضر کاوشهای سیراف را مستقلاً پی‌گیری کرد و موفق بکشف آثار ارزنده‌ای گردید که مطالب این کتاب نخستین اثر مؤلف و نتیجه تحقیقات نامبرده در باره این بندر مهم میباشد.

سیراف در جنوب غربی بندر بوشهر و فاصله در حدود ۳۰۰ کیلومتری آن قرار دارد و بر روی خرابه‌های آن بندر طاهری فعلی قرار دارد.

اداره کل فرهنگ و هنر استان بوشهر با انتشار این قبیل آثار در این عصر فرخنده که اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر توجه خاص به احیاء و بزرگداشت فرهنگ غنی پیشین ایران زمین دارند و همواره اوامر مؤکدی در این باره صادر فرموده و میفرمایند کوشش دارد گوشه‌هایی از تمدن پرشکوه این مرزو بوم را در اختیار شیفتگان و علاقمندان این قبیل موارد فرهنگی قرار دهد. امید است این خدمت فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

بزدانی

رئیس اداره کل فرهنگ و هنر استان بوشهر

در جلگه باریکی بر کرانه شرقی خلیج فارس، کنار بندر طاهری، آثار و بقایای شهری بچشم می خورد که روزگاری درازیکه تازمیدان تجارت و اقتصاد در حوزه خلیج فارس بود. شهری با جمعیت بسیار و خانه های بزرگ و چندین طبقه زیبا، با خیابانها و کوچه های منظم. در باراندازهای آن کشتی های بازرگانان کالاهای گوناگون از سواحل چین، هند و آفریقای شرقی آورده و بالعکس محصولات داخلی ایران را به ممالک دور دست می بردند و در بازارهای آن امتعه فراوان داد و ستد میشد. فرقه های زرتشتی و یهودی و نسطوری در این شهر در کنار مسلمانان به صلح و صفا زیسته و مسافرانی از عربستان، مصر، زنگبار، هندوستان و چین به سیر و سیاحت و بازرگانی مشغول بودند.

سیراف شهری بود صرفاً بازرگانی و تجارتی که از حیث وسعت همانند شیراز و از نقطه نظر اقتصادی رقیب بصره بوده و از اواخر عصر ساسانی تا ابتدای قرن پنجم هجری رابط بین فلات ایران با دیگر کشورها بود. این شهر از طریق راهی که از جهم و فیروز آباد عبور می کرد با شیراز ارتباط داشت.

سیراف زادگاه مردان بزرگی بود که در روزگار خود از مشاهیر و رجال سیاست و علم و ادب و تجارت محسوب میشدند، همچون ذویسادین وزیر سلطان الدوله، و علمائی مانند ابوسعید سیرافی که از این شهر برخاستند و در بغداد قاضی القضاات گردید و برای قضاات خود اجرتی نمی گرفت و

از طریق کتات معیشت خود می گذرانید . ناخدایان و دریانوردانی چون محمد بن بابشاد تادریاهای دور به سیر و سفر پرداخته و چندان شهرت و اعتبار داشت که به امر یکی از شاهان هند تصویر وی را ترسیم کردند . مؤلفانی همچون ابوزید حسن میرافی شرح مسافرتها و احوال مردمان را گرد آورده و بسیار بودند از این قبیل مردان که از سیراف برخاستند . خلاصه سیراف بروز کار خود شهری بود از بسیاری جهات استثنائی و منحصراً به فرد که تأثیرات فراوانی از جهات گوناگون بر سر نوشت شهرهای حوزه خلیج فارس داشت .

در این کتابچه کوشش بعمل آمده مطالبی در خصوص جغرافیای تاریخی و کاوشهای باستان شناسی سیراف هر چند به اختصار و اندک آورده شود تا شاید کامی در راه شناسائی این محوطه باستانی با ارزش برداشته باشیم

حسن بختیاری

سیراف ، بیست و نهم اسفند ماه ۱۳۵۳ خورشیدی

موقعیت جغرافیائی بندر تاریخی سیراف

آثار سیراف در حاشیه خلیج کوچکی در کرانه شرقی خلیج فارس، به فاصله ۲۵۰ کیلومتری جنوب شرقی بوشهر و حدود ۵۰۰ کیلومتری غرب بندر عباس بچشم می‌خورد، شهر شیراز در ۲۴۰ کیلومتری شمال آن واقع شده، این محوطه باستانی در دامنه ارتفاعاتی قرار گرفته که مشرف به دره دابند است.

امروزه بندر طاهری جایگزین سیراف گردیده و منازل اهالی و زمین‌های مزروعی بخشی از آثار سیراف را پوشانده و در شرق و غرب این بندر آثار و بقایای سیراف قدیم بوضوح دیده میشود، بندر طاهری در ۳۷ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۲۰ دقیقه شرقی مدار گرینویچ واقع است. در این محل میزان ریزش باران در سال کمتر از ۳۰۰ میلیمتر و آب سطح الارضی کمیاب است، میزان گرما در تابستان از ۴۵ درجه سانتی گراد بالا می‌رود. شغل عمده اهالی طاهری ماهیگیری است و زراعت مختصری نیز صورت می‌گیرد و جمعیت آن حدود ۲۰۰۰ نفر است.

تفسیر واژه سیراف

نام این بندر در آثار متقدمان به صورتهای سیراف، سراف، شیلا و، شیلاف ملاحظه گردید.

یاقوت حموی مورخ قرن هفتم هجری در توضیح واژه سیراف گوید که بازرگانان این بندر را شیلا و گویند. (۱) وی ضمن مسافرتی به ناحیه خلیج فارس از سیراف دیدن کرده و نخستین کسی است که بذکر نام شیلا و اشارت کرده است. شیلا و در حال حاضر نام دره ایست در شمال غربی بندر طاهری.

مرحوم عباس اقبال می نویسد که نام فارسی سیراف شیلا بوده و در واقع سیراف لهجه دیگری است در تلفظ شیلا و، و دور نیست که جزء اول این نام یعنی «شیل» همان باشد که هنوز هم در سواحل دریای خزر به آبهای ماهی دار اطلاق میشود و جمع آن را شیلات گویند (۲) در کتاب عجایب المخلوقات تألیف محمد بن محمود بن احمد طوسی که در فاصله سالهای ۵۵۵ تا ۵۶۲ هجری تألیف شده (۳)، و در کتاب عرایس الجواهر و نفایس الاطایب (۴) تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی تألیف سال ۷۰۰ هجری نام این بندر بصورت شیلاف ذکر شده است.

-
- ۱ - معجم البلدان، تألیف یاقوت حموی، جلد ۳ صفحه ۲۹۴، چاپ بیروت، ۱۳۷۶
 - ۲ - مجله یادگار، مقاله سیراف قدیم نوشته عباس اقبال، شماره ۴، سال ۱۳۲۴ صفحه ۸
 - ۳ - عجایب المخلوقات تألیف محمد بن احمد طوسی، به اهتمام دکتر منوچهر ستوده بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵، صفحه ۲۶۴.
 - ۴ - عرایس الجواهر و نفایس الاطایب، تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی انتشارات انجمن آثار ملی، به کوشش ایرج افشار صفحه ۱۲۷.

که احتمالا شیلاف نیز تلفظ دیگری است از شیلاو که به سبب تبدیل
و به ف بدین صورت درآمده است .

دروجه تسمیه بندرسیراف یا قوت افسانه‌ای را نقل می کند که هر چند
مضمون آن معتبر نیست لیکن دلیل بر قدمت شهر و نمایشگر نام قدیمی آنست:
(فارسیان در کتابشان موسوم به ابستاق (اوستا) آورده اند که
کیکائوس خواست به آسمان صعود کند و صعود نمود ، چون از چشم مردمان
پنهان شد خداوند با درافرمود که او را فرواندازد ، پس فرو افتاد و گفت
بدن **شیر** و **آب** دهید ، پس بدان سبب نام آن **شیر آب** شد و سپس
مغرب گردیده و **ش** به **س** و **ب** به **ف** بدل گردیده و **سیراف** شد ، (۵)
در اخبار الطوال ابو حنیفه دینوری تألیف ۲۲۷ هجری و نیز در تاریخ
سیستان نام این شهر به صورت سراف کر شده است . (۶)

۵ - معجم البلدان ، تألیف یاقوت حموی ، چاپ بیروت ۱۳۷۶ ، جلد سوم ، ص ۲۹۴
۶ - اخبار الطوال ابو حنیفه دینوری ، ترجمه صادق نشأت ، انتشارات بنیاد
فرهنگ ایران ، ص ۳۲۴ و تاریخ سیستان بتصحیح ملک الشعراء بهار ، انتشارات
مؤسسه خاور ، ۱۳۵۲ ، ص ۲۲۸ و ۲۲۹ .

پیشینه تاریخی

موقعیت استثنائی و اهمیت بازرگانی سیراف نظر جغرافیون و مورخین دوره اسلامی را بخود جلب نموده و در غالب آثار و کتب برجای مانده از اوایل اسلام و قرون بعد اشاراتی از این شهر شده است .

« اول کسی که وضع تجارت و آبادی بندر سیراف و احوال بحار و جزایر و ممالکی را که مردم سیراف با آنها در ارتباط تجارتی بوده اند وصف کرده شخصی است از اهالی همین بندر بنام ابوزید حسن سیرافی و او مؤلف کتابی است، در باب ممالك و دریاها و اقسام ماهیهای بحار اطراف هند و جاده و چین و سیلان و آن کتاب دو جزء است . يك جزء روایتی است از سفر یکی از تجار بنام سلیمان که در آبهای چین و هند سفرها کرده و کتاب خود را در ۲۳۷ نوشته بوده جزء دیگر ذیلی است که ابوزید سیرافی بر کتاب سلیمان افزوده است » (۷)

ابوزید اثر خود را در سال ۳۰۲ هجری نگاشته است . (۸) مورخ معروف مسعودی در کتاب مروج الذهب می نویسد که ابوزید سیرافی را در سال ۳۳۰ در بصره ملاقات کرده و اطلاعاتی در مورد شهر حمدان (پایتخت چین شمالی) از وی کسب کرده است . مسعودی به رفت و آمد کشتیهای چین به سیراف و آمد و شد کشتیهای سیراف به چین اشاره می نماید (۹)

۷ - مجله یادگار مقاله سیراف قدیم، نوشته عباس اقبال ، شماره ۴، ۱۳۲۴، ص ۹.

۸ - Journal Asiatique , Tome ccll , 1923 . P22

۹ - مروج الذهب و معادن الجواهر ، تألیف ابوالحسن علی بن حسین مسعودی ، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، جلد اول صفحه ۱۳۷ و ۱۳۴

در اخبار الطوال ابوحنیفه دینوری تألیف سال ۲۲۷ هجری مذکور است که «عمر بن حجاج از سران قاتلان حسین آهنگ فرار به بصره کرد ولی از بیم نکوهش منصرف شده و به سراف (سیراف) رفت، ساکنان سراف به او گفتند از سرزمین ما کوچ کن چه از مختار بيمنا کيم پس عمر بن حجاج آنجا را ترك گفت» (۱۰)

احمد بن یحیی بلاذری در کتاب فتوح البلدان تألیف ۲۵۵ هجری گوید: «کسی از اهل فارس مرا گفت: دژ سیراف را سوریانچ می گفتند و تازیان آن را شهر یاج خواندند» (۱۱)

اصمعی شاعر بزرگ عرب که معاصر منصور خلیفه عباسی بوده است در یکی از اشعار خود سیراف را چنین وصف میکند: «دیناسه جاست: عمان و ابلدو سیراف» و این مطلب در البلدان ابن فقیه تألیف ۲۹۰ هجری نگاشته شده است. (۱۲)

اصطخری در مسالك و ممالك تألیف ۳۴۰ هجری که بر اساس صورالاقالیم ابوزید بلخی است در خصوص سیراف می نویسد:

«بعد از شیراز بزرگترین بلاد اردشیر خره سیراف است که از حیث وسعت با شیراز برابری می کند، بناهای آن از ساج و چوب است که از زنگبار می آورند و خانه های آن جادارای چندین طبقه است، شهر مزبور در ساحل دریا واقع شده و دارای ابنیه متراکم و جمعیت زیاد است و

۱۰ - ایضاً اخبار الطوال ص ۳۲۴

۱۱ - فتوح البلدان، تألیف احمد بن یحیی بلاذری، ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۶۴.

۱۲ - البلدان ابن فقیه، ترجمه ح - مسمود، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۸

اهالی آن مبالغ زیادی برای ساختن عمارت خرج می کنند ، چنانکه یکی از بازرگانان ۳۰۰۰۰ دنیا خرج عمارت کرد ، در حوالی آن باغ و درخت نیست ، میوه و آب و آذوقه را از کوهی که مشرف به سیراف و بنام جم خوانده میشود و در مجاورت شهر واقع شده می آورند و سیراف از همه شهرهای اردشیر خره گرم تراست. » (۱۳)

در حدود العالم که قدیم ترین جغرافیا بزبان فارسی است و در ۳۷۲ هجری تألیف شده آمده است :

« سیراف شهری بزرگ است و گرمسیر است و هوای درست دارد و جای بازرگانان است و بارگاه پارس است ، جم ، کران ، حرماک شهر کهایی اند از حدود سیراف آبادان بامردم بسیار. » (۱۴) مقدسی در احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم تألیف ۳۷۵ هجری اشاره می کند که : سیراف مرکز اردشیر خره است و بهنگام آبادی آن اهالی سیراف این شهر را به سبب آبادی بسیار ، زیبائی منازل ، ظرافت مسجد جامع ، خوبی بازارها ، آسایش سکنه و شهرت آوازه بر بصره برتری میدادند در آن هنگام سیراف معبر چین و انبار فارس و خراسان بشمار میرفت ، خلاصه در میان شهرهای ممالک اسلامی از جهت مناظر شکفت و زیبائی ساختمان هیچ جا خانه هائی مانند خانه های سیراف ندیده ام ، این خانه ها از چوب ساج و آجر بر بلندی بنا شده و ارزش يك خانه گاهی از

۱۳ - المسالك والممالك تألیف اصطخری ، طبع لیدن ، ۱۹۲۷ ، ص ۱۲۷ .

۱۴ - حدود العالم ، تصحیح و اهتمام سید جلال الدین طهرانی ، ۱۳۵۲ ق ، مطبعه مجلس ص ۷۸ .

صد هزار درهم بیشتر است . (۱۵)

یاقوب حموی در اوایل قرن هفتم که سیراف تبدیل به ویرانه شده بود از آن دیدن کرده و در معجم البلدان ، تألیف ۶۲۷ هجری چنین می نویسد :

« در این شهر آثار آبادی نیکو و مسجد جامع زیبایی با ستونهای از چوب ساج برجاست . . من آنجا را دیدم و حالیه جز مشتی مردم فقیر که فقط حب وطن آنها را پایمند نموده کسی دیگر در آنجا نیست (۱۶)

در تاریخ و صاف که شروع تألیف آن سال ۶۹۷ هجری است چنین میخوانیم : « در مبادی دولت آل بویه معظم ترین فرض در جزایر معموره سیراف بود ، شهری با فسحت رقع و وسعت بقعه اصناف خلایق از ائمه محقق متقن و علماء مدقق متقن و بلغاء بلاغت آرای و فضلاء ثاقب رأی و اغنیاء صاحب مروت و تجار بسیار ثروت در آن تمدن کزده و مدینه فاضله شده ترتیب ابنیه و امکنة و اسواق از کثرت و ازدحام چنان بود که دکانین و حجرات در رباع مصفف و مطبق مثنی و ثلاث و رباع بنا کرده اند و طبقه که بر فرش زمین مبنی شده شارع عام مشاع بین الاناس و الانعام و احیاناً سلطان معظم ابو شجاع عضد الدوله فنا خسرو شاهنشاه سیراف را مخیم عز و اقبال و مرکز رایت سلطنت و جلال خود ساختی و از نتایج همت آسمان فرسای آن پادشاد بنائسی فسیح ارکان بلیغ بنیان فرموده و آنرا فیلخانه عضد گویند و هنوز آثار و اطلال آن (باقیست) و در نایبند که دیهی است از جانب شرقی سیراف بر ساحل بحر بنائی دیگر

۱۵ - احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم ، تألیف مقدسی ، طبع لیدن ، ۱۹۰۶ ، ص ۴۲۶

۱۶ - معجم البلدان جلد ۳ ص ۲۹۵ .

با کیوان همراه و آنرا ایوان تابند خوانند و قصر ایوان ملک جمشید در
جزیره قیس نمودار است» (۱۷)

حمدالله مستوفی متوفی به سال ۷۴۰ هجری در کتاب نزهة القلوب در
باره سیراف چنین نگاشته است :

« سیراف در قدیم شهری بزرگ بوده و پر نعمت و مشرع سفر بحر،
هوایش گرم است و آبش از باران که در مصانع محافظت نمایند و درو
سه چشمه نیز دارد و حاصلش غله و خرما» (۱۸)

مورخین و نویسندگان ادوار بعد نیز از سیراف سخن ها گفته اند
لیکن به سبب آنکه گفته های آنان تکرار سخن پیشینیان است و مطلب
تازه ای را بیان نمی دارند از ذکر آن در این مختصر خودداری میشود .

۱۷- ایضاً مجله یادگار، مقاله عباس اقبال، ص ۱۳ و ۱۲، نقل از تاریخ و صاف ص ۱۷۰
۱۸ - نزهة القلوب، تألیف حمدالله مستوفی، اهتمام گای لسترنج، طبع لیدن
۱۹۱۳، ص ۱۱۷.

بازرگانی و بازرگانان

سیراف در قرن سوم هجری واسطه عمده تجارت بین کشورهای چون هندوستان، چین، جزایر هند شرقی، زنگبار و بصره بود، کشتی‌هایی که از بنادر چین، ماله و سوماترا به خلیج فارس می‌آمدند کالاهای خود را در این بندر تخلیه کرده و در بازگشت کالاهای بصره و عمان را که کشتی‌های دیگر به سیراف آورده بودند توسط کشتیهای خود به چین می‌بردند. (۱۹)

بازرگانی در خلیج فارس در سده‌های سوم و چهارم هجری به بالاترین درجه پیشرفت خود رسیده بود. همه ساله کشتی‌های بزرگ چینی از بندر سیراف حرکت می‌کرده و در بازگشت کالاهایی مانند سنک‌های قیمتی، عاج، چوب صندل، چوب آبنوس، کاغذ، عنبر، انواع عطریات هندی و ادویه می‌آوردند. از بندر سیراف کشتی‌های کوچک‌تر این کالاها را به بنادر دیگر خلیج فارس می‌بردند و یا از راه شط‌سوی بصره، بغداد و سامره انتقال می‌دادند. بندر سیراف مهمترین مرکز تجارت مروارید بشمار میرفت. (۲۰)

۱۹ - مجله یادگار مقاله عباس اقبال ص ۹۰۸.

۲۰ - مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۱۰۹، ۱۳۵۱، مقاله: تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و قرون اول و دوم هجری به قلم اندریو ویلیامسون ص ۱۴۲.

اصطخری می نویسد :

« و از سیراف متاع دریا خیزد . چون عود و عنبر و کافور و جواهر و خیزران و عاج و آبنوس و پلپل و صندل و دیگر گونه طیب و داروها ، و از آنجا به آفاق برند و در این شهر بازرگانان توانا باشند ، و « خداوند » کتاب گوید من بازرگانان دیدم در این شهر هریک را شصت بارهزار هزار درم بود سرمایه (۲۱)

همین مورخ در جای دیگر اشاره می کند :

« و مردمان سیراف را از بازرگانی دریا روزی تمام هست . خداوند کتاب گوید من آنجا کسانی دیدم کی هریک را چهار بارهزار هزار دینار بود و بیشتر و کس باشد کی بسیار بیش از این دارد و جامعه او همچون جامعه مزدورش باشد » (۲۲) .

این بلخی در کتاب فارسنامه که حدود سال ۵۰۰ هجری آن را تألیف کرده اشاره می کند که ارزش کالاهای سیراف بالغ بر ۲/۵۳۰/۰۰۰ دینار در سال بود و اضافه می کند که سیراف بندر تجارتی بزرگ بود که دارای انبارهایی مملو از عطر گل و گیاه خوشبو مانند کافور ، چوب عود و چوب صندل بود . (۲۳)

در شهر سیراف تجارتی سخت با ثروت یافت شدی که ثروت هریک

۲۱ - ۲۲ - ترجمه فارسی مسالك و ممالك ، تألیف اصطخری ، بکوشش ایرج

افشار ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ، ۱۳۴۷ ، ص ۱۴۳ و ۱۲۱ .

۲۳ - فرهنگ ایران زمین ، جلد ۱۸ ، مقاله دریانوردی در خلیج فارس بقلم

توماس ریکس ، تهران ، ۱۳۵۱ ، ص ۴۱۵ .

از ایشان از شصت میلیون درهم برگزشتی ویاک تن از ایشان اموال خویش از بهر کاری وصیت نمود یک میلیون دینار ثلث مال او برآمد (۲۴) ابن بلخی در باره عواید دولتی سالیانه در زمان المقتدر خلیفه عباسی از بابت عایدات کمر کی ارقام جالبی ارائه میدهد که به استناد آنها میتوان مطالب زیر را استخراج و ارائه نمود (۲۵) :

پارس ، کرمان ، عمان ۲/۳۳۱/۸۸۰ دینار زر سرخ
پارس و توابع آن از حمله سیراف با عشریه کشتیهای تجارتی ۱/۸۸۷/۵۰۰
دینار زر سرخ

پارس و توابع آن به استثنای سیراف ۱/۶۳۴/۵۰۰ دینار زر سرخ
سیراف با عشریه کشتیهای تجارتی ۲۵۳/۰۰۰
اسامی و شرح حال چند تن از بازرگانان مشهور سیراف :

ابوبکر احمد بن عمر سیرافی :

از تجار بسیار ثروتمند سیرافی بود که ابن حوقل مؤلف کتاب صورة الارض وی را در سال ۳۵۰ هجری در بصره ملاقات کرده و از ثروت و مکننت وی ذکری به میان آورده است ، ابن حوقل از قول کاتب این بازرگان می نویسد :

« او مردی است که در سال ۳۴۸ بیمار شد و در آستانه مرگ قرار

-
- ۲۴ - تاریخ تمدن اسلامی ، تألیف جرجی زیدان ، اهتمام و ترجمه ابراهیم قمی ، جلد ۲ ، ۱۳۲۹ قمری ، ص ۱۳۳ .
۲۵ - فارسنامه ابن بلخی ، تصحیح و اهتمام گای لیسترانج و ریچارد ال نیکلسون ، چاپ کمبریج ، ۱۹۲۱ ، ص ۱۷۱ .

گرفت و وصیت کرد ، ثلث مالش یا مقداری بیشتر به سبب نبودن وارث به نهمصد هزار دینار بالغ شد. و این علاوه بر من کب خاص او بود. و او را و کیلی است که وسایل و لوازم وی را و نیز صورت حسابهای روشن و قبضههایی که از حیث موعد و غیر آن معلوم و معین بود و کالاهای گوهر و عطر که در خابارها و گنجینههاست به دست اوست و کمتر اتفاق می افتد که ستوری از آن وی به ناحیه ای از نواحی هند یا زنگبار یا چین حرکت کند و او را در آن شریکی یا همکاری باشد مگر از باب ارزشمند بودن محصولات بی مزد و پاداشتی ۲۶ « ابن حوقل سپس می نویسد : « در مورد اینکه آن مرد به ثلث مال خود و مقداری بیشتر از آن وصیت کرده بود فرض می کنیم که نصف مال بوده باشد، با این همه می نشنیده ام که بازرگانی این مقدار ثروت داشته باشد یا در تصرف او باشد و ودیعه سلطانی نیز این اندازه نیست و این داستان را اگر افسانه تلقی نکنیم باز هم عجیب و بعید به نظر می رسد » (۲۷)

یونس تاجر پسر مهران :

از بازرگانان سیراقی است که به جزیره زابج (نام قدیمی جزیره جاوه) سفر کرده و حکایت می کند : « در شهری که مهران پادشاه زابج در آن اقامت داشت بازارهای بزرگ و زیادی دیدم که تعداد آن به شمار نمی آمد در بازار صرافان آن شهر آنچه شماره کردم هشتصد دکان صرافانی

۲۶- و ۲۷ - صولۃ الارض ، تألیف ابن حوقل ترجمه دکتر جعفر شعار ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ص ۵۷

وجود داشت غیر از صرافی‌هایی که در سایر بازارها متفرق بودند همچنین

بدون تصدیق
تایید
تایید

از آبادانی جزیره زابج و شهرستانها و دهستانهای زیاد آن که

در نمی‌آمد حکایت‌ها می‌نمود « (۲۸)

محمد پسر مسلم سیرافی :

از سیرافیانی است که متجاوز از ۲۰ سال در تانه (از شهرهای ساحل

غربی هندوستان) ساکن بوده و از بیشتر نهرهای هندوستان دیدن کرده

و به اوضاع و احوال مردم آن شهرها و آداب و رسوم آنها شناسائی

کامل داشت . (۲۹)

داربرزین :

داربرزین از مردم سیراف ودائی عبدالله بن فضل قاضی و برادرزن

عبدالله ایوب بود و به کشور چین سفر کرده و حکایت می‌کند :

« زمانی که به خانفوا یکی از شهرهای چین بزرگ بودم روزی

گفتند فردا یکی از حاجبان دربار فقفور چین از مسافرتی که به یکی از

نواحی کرده بود به شهر وارد میشود . روز و روز مردم شهر در سرتاسر

خط عبور او برای دیدارش جای گرفتند ، از اول طلوع آفتاب ورود

جماعت کثیری از همراهان او به شهر شروع شد و تا عصر دوام یافت پس از

آن خود حاجب وارد شد . در حالیکه يك صد هزار سوار همراه داشت « (۳۰)

۲۸ و ۲۹ - عجایب هند ، تألیف ناخدا بزرگ شهیار را مهرمزی ، ترجمه محمد

ملك زاده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۴۸ ، ص ۱۱۰ ، و ۱۲۲ .

۳۰ - عجایب هند ص ۱۱۶ و ۱۱۷ .

دریانوردی و دریانوردان

از ابتدای دوره ساسانی دریانوردی در حوزه خلیج فارس جزء لاینفک فعالیت بازرگانی و دریائی ایران شده بود، در عهد شاپور دوم بهنگام لشکرکشی وی به عمان و بحرین امکانات تجارتی بنادر ابله، نجیرم و سیراف توسعه داده شد (۳۱).

مسعودی در مروج الذهب می نویسد:

«گویند یکی از تجار سمرقند از دیار خود باکالای فراوان به عراق رفت و از آنجا باکالای خویش سوی بصره شد و بدریا نشست تا به عمان رسید. و از آنجا بدیارکله راند که بر نیمه راه چین یا نزدیک به آنست که در آن روزگار کشتیهای مسلمانان سیرافی و عمانی تا آنجا میرفت و با کسانی که از چین می آمدند در کشتیها ملاقات میکردند، در آغاز کار ترتیب دیگر بود و کشتیهای چینی تا عمان و سیراف و ساحل فارس و بحرین و ابله و بصره میرسید و هم کشتیهای این دیار تا چین رفت و آمد داشت و چون عدالت برفت و نیت هاتباهی گرفت و کار چین چنان شد که گفتیم دو گروه در این نیمه راه تلاقی میکرد» (۳۲)

در جای دیگر مسعودی از ورود کشتیهای بازرگانی حامل کالاهای

۳۱ - فرهنگ ایران زمین جلد ۱۸ صفحه ۴۰۰

۳۲ - مروج الذهب جلد یک صفحه ۱۳۷.

سیراف به شهر خانقوا در چین اشاره میکند «خانقوا شهر است بزرگ بر ساحل رودی بزرگتر از دجله که به دریای چین می‌ریزد، از این شهر تا دریای شش یا هفت روز راه است، و کشتیهای بازرگانی حامل کالا و لوازم که از دیار بصره و سیراف و عمان و شهرهای هند و جزایر زابج و صنف و ممالک دیگر می‌رسد بر این رود تا نزدیک خانقوا می‌رود و در آنجا از مسلمانان و نصاری و یهود و مجوس و جز آنان از مردم چین خلق بسیار هست» (۳۳)

دریا نوردان سیرافی علاوه بر سواحل هندوچین و آسیای جنوب شرقی به بحر احمر و سواحل افریقای شرقی نیز آمد و شد داشتند و مسعودی در مروج الذهب مطلبی در خصوص حضور کشتیهای سیرافی به بعضی از این نقاط می‌نماید:

«و اینان (عمانی‌ها) بدریای زنک چنانکه گفتیم تا جزیره قبلو و تا دیار سفاله و واق واق که نهایت سرزمین زنگان و ناحیه سفای دریای زنک است پیش می‌روند. سیرافیان نیز به این دریا می‌روند، من از شهر سنجار که مرکز قلمرو عمان است با گروهی از ناخدایان سیرافی که کشتی دارند به این دریا سوار شده‌ام ... آخرین بار که سوار این دریا شدم بسال سیصد و چهارم بود (۳۴).

اصطخری در مورد علاقه سیرافی‌ها به امر دریا نوردی می‌گوید:

«... اهل سیراف و سواحل دریا گذار باشند. و شنوده‌ام کی مردی از سیراف به بازرگانی دریا شد و چهل سال در کشتی بماند کی به خشک

بر نیامد . و چون به کنار دریا رسیدی ، به شهرها دلش نخواستی که از دریابرون آید . کسان خود را بفرستادی تا بازرگانی بکردند و آنچه بایستی بساختند و پیش او باز آمدند . و چون کشتی تپاه شدی به دیگری انتقال کردی » (۳۵)

گذشته از فعالیت زیادی که سیراف در بازرگانی دریائی سده های سوم و چهارم هجری داشته به سبب مهارت مردم آن در امر دریانوردی و کسب اطلاعات جغرافیائی و دریائی و تجارتی در طی سیرو سفرهای بسیار ، در واقع راهنما و معلم تمام ناخدایان خلیج فارس و دریای عمان و آقیانوس هند و دریاهای شرقی شده بودند و کتابها و نوشته هایی در باره شناسائی راههای دریائی و اوضاع و احوال جزایر و سواحل دوردست از زنگبار تا چین بنام « راهنما » داشته اند . این کتب بعدها توسط دریانوردان عمان و مسقط و زنگبار ترجمه و تکمیل گردید و بنام تحریف شده « رهمانج » وسیله کشتی رانی و دریانوردی ایشان در دریاهای دور دست بوده است . اصل این کتابها در دوره ساسانی تألیف شده بود و در اوایل اسلام از پهلوی به عربی ترجمه گردید و معلومات جدیدی بر آنها افزوده گشت و در قصه ها و افسانه های قدیم از راه نامه ها ذکر می میان آمده است . اسامی ناخدایان مشهور سیرافی در بیشتر کتابهایی که در سده های سوم و چهارم هجری در مسالك و ممالك و شناسائی دریاهاتوسط معلمین تألیف یافته به کرات ذکر شده خصوصاً در کتاب عجایب الهند

تألیف بزرگ‌بن شهریار رامهرمزی که در سال ۲۰۴ هجری به عربی تألیف شده به اسامی ناخدایان سیرافی برمی‌خوریم . (۳۶)

در کتاب جمهوریت افلاطون (در ترجمه عربی آن) نام ناخدایان سیرافی آمده که معلوم می‌شود شعرای یونان اسامی آنها را به عنوان دریا داران و پهلوانان دریاهای ضبط کرده‌اند . (۳۷)

اسامی و شرح حال بعضی از دریانوردان مشهور سیراف :
ناخدا محمد بن بابشاد :

ابو عبدالله محمد بن بابشاد بن حرام بن حمویه اهل سیراف از دریانوردان بنام سیراف است که بکشور طلا (ناحیه جنوبی هندوستان یا جزایر جاوه و سوماترا) مسافرت کرده و شهرت زیادی در این فن داشته و آنطور که از خلال یکی از داستانهای منصوب به وی برمی‌آید تا سال ۳۰۹ هجری در قید حیات بوده « میگویند یکی از پادشاهان هند دستور داد تصویر محمد بن بابشاد را که ناخدائی مشهور بود و در میان دریانوردان شهرت و اعتبار به سزائی داشت نقش کنند زیر اچنین رسم بود که از میان هر صنف مردم آنکس که از حیث مقام و منزلت و ذکاوت منحصر بود صورت او را ترسیم می‌کردند « محمد بن بابشاد از یکی از شهرهای خلیج سرفدیب و عظمت آن و از بازارهای و کالاهای و آداب و رسوم اهالی آن، از میمون‌های صنفین و سرزمین لامیری (ناحیه شمالی جزیره سوماترا)

۳۶ - مجله یادگار مقاله عباس اقبال ص ۱۶ و ۱۷

۳۷ - سمینار خلیج فارس جلد اول ، سخنرانی سلطانعلی بهبهانی : بنادیران در خلیج فارس ، ص ۱۳۵ .

وفاقله (شهری در ناحیه مرکزی سومانرا) ، از آدمخواران جزیره نیان
(از جزایر سواحل شمالی جزیره سومانرا) و از عقرب‌های عجیب‌یکی
از نواحی وقواق (مجمع الجزایر ژاپون) حکایت‌ها و داستانها گفته‌است (۳۸)
ناخدا ابو زهر برختی :

از دریا نوردان و بزرگان سیراف بود که کیش زردشتی داشت و
نزد زردشتیان هند به امانت مشهور بود بعدها مسلمان شد و به زیارت
مکه رفت و در جزیره نساء ازدواج کرد و به دریای ملاتومسافرت کرد
و از يك پزشك اهل سرندیب نقل کرده که در هندوستان سه هزار و یکصد و
ویست نوع مار وجود دارد (۳۹) .
راشد غلام پسر بابشاد :

از دریا نوردانی است که در آبهای خلیج فارس بسیر و سفر پرداخته
و در یکی از مسافرتها که در ذیقعد سال ۳۰۵ هجری توسط زورق
کوچکی از سیراف به بصره میرفته در ناحیه رأس الکامله گرفتار طوفان
شده است (۴۰) .
ناخدا احمد بن علی بن منیر :

از ناخدایان سیرافی است که نام و شهرت بسزائی داشته و مسافرتها ی
بسیار کرده و از سرزمین سرندیب حکایات بسیار نقل کرده است (۴۱) .
ابوالحسن محمد بن احمد بن عمر سیرافی :

ناخدائی است که در دریا های آسیا و آفریقا سفر کرده و حکایات غریبی

از ماهیان ذکرمی کند ، از جمله از يك ماهی عظیم که در سال ۳۰۰ هجری در دریای عمان دیده داستان می گوید (۴۲).

ابوالحسن علی بن شاذان سیرافی :

از دریانوردانی است که در کتاب عجایب هند حکایاتی از قول وی نقل شده است (۴۳).

محمد بن زید بود سیرافی :

از ناخدایان سیرافی است که با کشتی خود حوالی اوائل قرن چهارم هجری از شهر سنجار مرکز قلمرو عمان تا دریای زنگ مسافرت نموده است (۴۴).

جوهر بن احمد سیرافی :

جوهر سیرافی معروف به ابن سیره از ناخدایان سیرافی است که از خلیج فارس تا دریای زنگ به سیر و سفر مشغول بوده و آن طور که مورخ مشهور مسعودی اشاره می کند ابن سیره با همراهان و کشتی خود در حوالی ابتدای قرن چهارم هجری در دریای زنگ غرق شد (۴۵).
برادران احمد و عبدالصمد و عبدالرحیم بن جعفر سیرافی :

این سه تن از مردم محله میکان سیراف بودند و با کشتی های خود از خلیج فارس تا دریای زنگ مسافرت می کردند ، مسعودی در «روج الذهب» می نویسد که در سال ۳۰۴ هجری با کشتی احمد و عبدالصمد از جزیره

۴۳۰۴۲۰۴۱۹۴۰ - عجایب هند ص ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۹۷ و ۵۰ .

۴۴۰۴۵ و ۴۶۰ - روج الذهب جلد اول ، ص ۱۳۵

قنبلو تا شهر عمان مسافرت کرده است . به گفته مسعودی این سه برادر
و کشتی هایشان و هر که در آن بود در دریای زنك غرق شدند (۴۶).
ما فنا :

یکی از رهبانان سیرافی است که از راههای دریائی آگاهی داشتند و
در خدمت ناخدایانی بود که در فاصله چین و سیراف مسافرت میکردند و
ابوریحان بیرونی در کتاب تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن
که تاریخ تألیف آن بین سالهای ۴۰۹ تا ۴۱۶ هجری است حکایتی از
وی آورده است (۴۷).

۴۷ - تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن ، تألیف ابوریحان محمد بن
احمد بیرونی خوارزمی ترجمه احمد آرام ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۲ ،
ص ۱۱۰

علماء و بزرگان

ابوسعید سیرافی:

۳۶۸ - ۲۸۴ هـ

ابوسعید حسن بن عبدالله بن مرزبان معروف به سیرافی پدرش بهزاد نام داشته و زرتشتی بود و بعدها اسلام آورد و چون مسلمان شد ابوسعید دی را بنام اسلامی عبدالله خواند. ابوسعید در سال ۲۸۴ هجری در سیراف به دنیا آمد. برای کسب دانش به عمان رفت، آنگاه در بغداد اقامت گزید و قاضی القضاات گردید و مدت پنجاه سال موافق مذهب ابوحنیفه با کمال درستی قضاوت نمود و فتوی داد. در زهد و صلاح و عفاف مشهور بود، بر حکم و قضاوت خود اصلا اجرایی نمیگرفت و با دست رنج عمل کتابت امرار معاش مینمود، خطی نیکو داشت و همه روزه ده ورق به اجرت ده درهم که مقدار مخارج روزانه وی بود مینوشت و پیش از نوشتن آن ده ورق به مجلس درس و قضاوت حاضر نمیشد، سیرافی در بسیاری از رشته‌های دانش عصر خویش اعم از عقلی و نقلی دست داشت و از ائمه مشهور نحو و لغت و حدیث و فقه و علوم قرآنی و کلام است و به سبب شهرتی که داشت مرجع امراء و دانشمندان عهد خویش بود. نوح بن نصر سامانی با ارسال نامه‌ای از وی چهارصد سؤال لغوی و غیره کرد، باجمعی وزیر نامه‌ای مشتمل بر سؤالاتی در باب قرآن بدو نوشت، مروان بن محمد

ملك دیلم از آذربایجان یکصد و بیست سؤال درباره قرآن و حدیث نزد او فرستاد و ابو جعفر احمد بن محمد صفاری هفتاد سؤال در خصوص قرآن و یکصد سؤال راجع به کلمات عربی و سیصد و بیست بیت شعر و چهل مسأله در احکام و سی مسأله در اصول بر طریق متکلمین از وی کرد و او به تمام آن سؤالات پاسخ گفت . ابو سعید در سال ۳۶۸ هجری در بغداد وفات یافت و در مقبره خیزران در بغداد دفن گردید . تألیفات سیرافی بشرح زیر است :

- ۱ - اخبار النحاه البصریین .
- ۲ - الاقناع .
- ۳ - الفات القطع والوصل .
- ۴ - دریدیه .
- ۵ - شرح کتاب سیبویه .
- ۶ - شرح مقصوره .
- ۷ - صنعته الشعر والبلاغة .
- ۸ - طبقات النحاة .
- ۹ - المدخل الی کتاب سیبویه .
- ۱۰ - الوقف والابتداء .

شاگردان مشهور سیرافی عبارت بودند از :

- ۱ - ابو حیان التوحیدی علی بن محمد بن العباس ادیب و فیلسوف و معتزلی معروف سده چهارم مشهور به جاحظ ثانی که علوم ادبی را نزد

ابوسعید آموخت .

۲- ابوعلی حسن بن احمد فارسی (۳۷۷ - ۳۰۷) .

۳- ابن جنی که به اتفاق سیرافی ابواب جدیدی در نحو و تصریف ابتکار کرد .

۴- ابومحمد اندلسی (۴۸) .

ابومحمد یوسف بن حسن سیرافی :

۳۸۵ - ۳۲۶ هـ

پسر ابوسعید سیرافی که از علمای نحو و ادب بوده ، پس از وفات پدر بجای وی نشست و سمت قضاوت بغداد را یافت ، تألیفات وی بدین شرح است :

۱- تکمیل کتاب اقناع پدرش .

۲- شرح ابیات اصلاح المنطق ابن السکیت .

۳- انمام شرح کتاب سیبویه (۴۹) .

۴۸- تاریخی از زبان تازی در میان ایرانیان پس از اسلام ، تألیف قاسم تویسرکانی ، انتشارات دانشرای عالی ، ۱۳۵۰ ، تهران ، ص ۲۲۸ - ریحانة الادب تألیف محمد علی مدرس ، جلد سوم ، تبریز ، ص ۱۴۳ و ۱۴۴ - تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر ذبیح‌الصفی ، جلد اول ، انتشارات کتابفروشی ابن سینا ، ۱۳۳۸ ، ص ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۶۴۲ - اخبار الطوال ، تألیف ابوحنیفه دینوری ترجمه صادق نشات انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، مقدمه کتاب .

۴۹- ایضاً تاریخی از زبان تازی و ریحانة الادب ،

علی بن عباس بن نوح سیرافی :

از علمای تشیع سیراف بوده که در بصره اقامت گزیده و در فقه و حدیث دست داشته و صاحب تصانیف بسیار است ، وی استاد نجاشی بوده ، توضیح اینکه نجاشی از علمای بزرگ شیعه است که کتاب رجال ایشان اساس و پایه شناخت علمای تشیع بوده است از جمله تألیفات علی بن عباس بن نوح سیرافی کتب زیر است :

- ۱ - کتاب مصابیح (در شرح حال راویان ائمه علیهم السلام) .
- ۲ - کتاب قاضی (برای قضاوت بین روایات مختلف) .
- ۳ - کتاب تعقیب و تغیر .
- ۴ - کتاب زیادات (بر رجال ابو عباس بن سعد درباره راویان حضرت صادق علیه السلام) .
- ۵ - اخبار و کالای اربعه (نایبان خاص حضرت امام زمان در غیبت صغری) (۵۰) .

ابو بکر احمد بن سالم سیرافی :

استاد وی صالح بن محمد بن شاذان است ، شاگرد وی ابو حسین محمد بن

❦ : در کتاب هدیه الاحباب حاج شیخ عباس قمی ، انساب سمعانی و منتظم ابن جوزی شرح حال بعضی از علما و بزرگان سیراف آمده است که در این اثر نقل می گردد . از لطف و مرحمت جناب استاد محدث که در گردآوری این مطالب و ترجمه آن و دیگر مطالب عربی مذکور در این اثر ، نگارنده را یاری و ارشاد فرمودند کمال تشکر را دارم .

۵۰ - هدیه الاحباب ، تألیف حاج شیخ عباس قمی ، مؤسسه مطبوعاتی امیر کبیر ص ۱۷۷ .

احمد بن جمیع غسانی است که متذکر می‌گردد در سیراف نزد وی تلمذ کرده است . (۵۱)

ابو حسن محمد بن احمد بن معروفین هأموم سیرافی :

وی شاگرد ابوطیب احمد بن علی هاشمی است ، و استاد ابو حسین محمد بن احمد بن جمیع غسانی است که در کتاب معجم شیوخ خود از ابو حسن سیرافی حدیث نقل کرده است (۵۲) .

محمد بن یوسف سیرافی :

از علمای سیراف است که در مصر اقامت داشته و شخصی صحیح القول بوده و از ابو حسن علی بن بند ارادنی و غیر ایشان حدیث شنیده است .

شاگرد وی ابو محمد عبدالله بن عبدالعزیز بن محمد نخشبی است که در کتاب معجم شیوخ خود نام وی را ذکر کرده است . (۵۳)

ابو محمد یعقوب بن صالح سیرافی :

از علمای سیراف است که کتب ابو عبید قاسم بن سلام نزد وی بوده که از طریق علی بن عبدالعزیز به وی رسیده بود ، احادیث بسیاری را گردآوری کرده و به نقل آنها می‌پرداخت و مردی صادق القول و معتمد بوده و پیشه‌وی مباشرت در فروش کالای بازار گانان هند و فارس بود . است و در ربیع الاول سال ۳۲۲ هجری در مصر وفات یافته است . (۵۴)

۵۱ و ۵۲ و ۵۳ - انساب سمعانی ، چاپ عکسی ، ص ۳۲۱ ،

۵۴ - المنتظم فی تاریخ الملوك والامم ، تألیف ابن جوزی ، چاپ حیدرآباد دکن ۱۳۵۷ ، ص ۲۷۵ .

ابو طیب حماد بن حسین فقیه سیرافی :

متوفی به سال ۳۷۸ هجری که در عراق اقامت داشته استادان وی جعفر بن محمد بن حسین سیرافی صاحب یونس بن حبیب و ابوبکر احمد بن کامل بن شجره قاضی و ابو اسحاق ابراهیم بن محمد هجمی و غیره بودند . شاگرد وی ابو عبدالله محمد بن عبدالعزیز شیرازی است . (۵۵)
ابو عبدالله جعفر بن محمد بن الحسن :

اصفهان‌ی الاصل که ساکن سیراف بوده و شاگرد هارون بن سلیمان خراز است . وی استاد ابو حسین بن جمیع غسانی است که در سیراف نزد وی تلمذ کرده است . (۵۶)
ذو سیادتین ابو غالب حسن بن منصور :

ذو سیادتین در سال ۳۵۲ هجری در سیراف به دنیا آمد و در سال ۴۰۹ سمت وزارت سلطان الدوله را بدست آورد و این سمت پس از عزل و برکناری این فسان جز وزیر سابق سلطان الدوله به وی رسید . (۵۷)
سلطان الدوله از سال ۴۰۳ تا ۴۱۲ هجری حکومت فارس و خوزستان را بعهده داشت .

صفی الدین ابو الخیر مسعود بن محمود بن ابو الفتح فالی سیرافی :

صفی الدین سیرافی پسر خال عمید الدین اسعد افزری وزیر اتابک

- ۵۵ - انساب سمعانی ، چاپ عکسی ، ص ۵۲۱ .
۵۶ - انساب سمعانی چاپ عکسی ، ص ۳۲۱ .
۵۷ - الکامل ابن اثیر ، جلد ۹ چاپ بیروت ، ۱۹۶۶ ، ص ۳۱۰ .

ابوبکر سعد بن زنگی است . صفی‌الدین قصیده حبسیه عمیدالین افزری
را که به توسط پسر او شنیده بود مرتب کرده و پسرش قطب‌الدین محمد
نیز آن را شرح نموده است . (۵۸)
مزید بن محمد بن ابردین بستاشه :

یکی از فرمان‌روایان سیراف بوده و چنانکه مسعودی در مروج -
الذهب می‌نویسد ابوزید حسن سیرافی عموزاده وی است . (۵۹)
وی احتمالاً در اوایل قرن چهارم هجری زیر نظر عمادالدوله
(از امرای آل بویه که بر فارس و خوزستان حکومت داشت) بر سیراف
حکومت میکرد .
ابوالعباس بن واصل .

ابن جوزی در منتظم که سال ۵۹۷ آن را تالیف کرده ضمن
وقایع سال ۳۹۷ داستان ابوالعباس بن واصل را چنین بیان می‌کند :
ابوالعباس در ابتدای کار از روی پیش بینی هائی عقیده داشت که فرمانروا
خواهد شد ، از این روی مردم وی را استهزاء میکردند . یکی میگفت
وقتی بحکومت رسیدی مرا به خدمتی بگمار ، دیگری میگفت بر من
خدمت بده و آن دیگر میگفت مرا عذاب کن ، از فضا مطابق آن پیش
بینی‌ها به حکومت رسید و به سیراف دست یافت و آنگاه بصره را بر آن
بیفزود ، سپس آهنگ اهواز کرد و بهاء‌الدوله را بیرون راند و بر بطیحه
مستولی شده و از آنجا مذهب‌الدوله علی بن نصر را به بغداد راند ، در صورتیکه

۵۸ - ایضاً مجله یادگار ، مقاله عباس اقبال ص ۱۲ .

۵۹ - مروج الذهب ، جلد ۱ ، ص ۱۴۳ .

بیش از این در بعضی موارد به وی پناهنده شده بود، بهاء الدوله از اموال خود آنچه که می توانست باخود برداشته و بیرون رفت لکن در راه اموالش را گرفتند و ناچار شد که بر گاوی سوار شده و به ابن واصل پناه آورد. پس از این فخر الملك ابو غالب آهنگ ابن واصل کرد و ابن واصل به حسان بن شمال خفاجی پناهنده شد و حسان بن شمال وی را بمشهد امیر المومنین علی علیه السلام فرستاد و او در آنجا به صدقات بسیار پرداخت و از آنجا به قصد بدر بن حسنویه حرکت کرد زیرا میان او و بدر دوستی قدیم بود. در راه ابو الفتح بن عازنا کهنانی به وی حمله کرد و وی را دستگیر و به اصحاب بهاء الدوله سپرد در صورتیکه سوگند یاد کرده بود که وی را نگهدارد، سپس وی را به نزد بهاء الدوله فرستادند و بهاء الدوله در صفر همین سال (۳۹۷) وی را کشت (۶۰)

ابن اثیر نیز این قضیه را به تفصیل در الکامل ضمن وقایع سالهای ۳۹۴ تا ۳۹۷ آورده است.

عباس بن ماهان :

از اهالی سیراف بود که مدت ها ساکن شهر صیمور (از بنادر معروف ساحل غربی هندوستان) بود و با عنوان هنر من (قاضی مسلمین) بر مسلمانان آن شهر ریاست داشت و از آنها حمایت می کرد. و بعد هابه سبب واقعه ای که در کتاب عجایب هند مذکور است پنهانی از صیمور فرار کرد. (۶۱)

۶۰ - المنتظم ابن جوزی ، جلد هفتم ، ص ۲۳۶ .

۶۱ - عجایب هند ، ص ۱۱۴ .

علل سقوط و ویرانی سیراف

پدیده‌های متعددی باعث خروج سیراف از گردونه تاریخ شد که مهمترین آنها بشرح زیر است:

- ۱ - وقوع زلزله در سال ۳۶۷ هجری (۹۷۷ م) .
- ۲ - ترقی و پیشرفت بازگانی جزیره کیش در حدود سال ۴۰۱ هجری (۱۰۱۰ م) .
- ۳ - سقوط سلسله آل بویه در سال ۴۴۷ هجری (۱۰۵۵ م) . ۶۲
بنابنوشته‌های مقدسی در سال ۳۶۶ یا ۳۶۷ زلزله‌ای در سیراف رخ داد که هفت روز بطول انجامید و بر اثر آن بیشتر خانه‌ها خراب شد و آسیب دید و مردم بسوی دریا گریختند و سیراف درس عبرتی شد برای کسانی که در احوال آن تأمل میکردند . مقدسی میافزاید: از مردم آنجا پرسیدم چه کرده بودید که خداوند حلم خود را از شما بازداشت گفتند: کثرت زنا و شیوخ ربا» (۶۳)

توضیح اینکه در التنبیه والاشراف مسعودی نیز مذکور است که

-
- ۶۲ - مجله بررسیهای تاریخی ، شماره ۳ ، سال هشتم ، مقاله‌خانه‌های سیراف نوشته دیوید وایت هاوس ، ترجمه حسین بختیاری ، صفحه ۶۲ .
 - ۶۳ - احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم : مقدسی ؛ طبع لندن، ۱۹۰۶ ص ۴۲۶ .

سیراف از مراکزی بوده که به کثرت و شدت زلزله معروف بوده است. (۶۴)

دو دیگر انتقال مرکز تجارت حوزه خلیج فارس از سیراف به جزیره کیش که در اثر آن بازرگانان و اشراف سیراف باین جزیره رحل اقامت افکندند و سیراف از اعتبار سابق افتاد. مرحوم عباس اقبال به نقل از تاریخ و صاف می نویسد: «سیراف تا اوان تشکیل سلسله سلاجقه کرمان یعنی ثانیه دوم قرن پنجم هجری بحال اعتبار و رونق کامل باقی بود. عمادالدوله تورانشاه (۴۷۷ - ۴۹۰) پادشاه سلجوقی کرمان جزیره کیش را بجای سیراف مرکز بارگیری و باراندازی جزایر و سواحل خلیج فارس قرار داد و این امر مقدمه آبادی و رونق کیش و انحطاط و خرابی سیراف گردید و جمیع اموالی که بعنوان حقوق گمرکی و حق العمل عاید مردم سیراف میشد از این تاریخ به بعد از ایشان منقطع و به مردم کیش واصل شد مخصوصا که در کیش سلسله مقتدری از اهراء بنام بنی قیصر روی کار آمدند و در حقیقت دولتی مستقل جهت خود درست کردند و ایشان به غلبه و تهدید سفاین تجارانی را مجبور به بارگیری و باراندازی در کیش میکردند و نمی گذاشتند که به سیراف بودند. (۶۵)

درفارسنامه ابن بلی در این خصوص چنین آمده است: «سیراف و فزاحی آن در قدیم شهری بزرگ بوده است و آبادان..... و تا آخر روزگار دیلم برین جملت بود و بعد از آن پدران امیر کیش مستولی

۶۴ - البته والاشراف ، تالیف مسعودی ، چاپ بیروت ، ۱۹۶۸ ، ص ۴۴.

۶۵ - مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس ، تالیف عباس اقبال ، تهران ، ۱۳۲۸ . ص ۳۰ به نقل از تاریخ و صاف ص ۱۷۰.

شده و جزیره کیس و دیگر جزایر بدست گرفتند و آن دخل کی سیراف را می بود بریده کشت و بدست ایشان افتاد..... و چون حال سیراف بدین گونه بود هیچ بازرگانی بسیراف کشتی نیارست آورد..... و از این سبب خراب شد» (۶۶)

علت سوم : سقوط آل بویه و رواج ملوک الطوائفی منجر به قطع راههای تجارتی و نا امنی گردید و دیگر کاروان هانمی توانستند به سهولت سابق به سیراف آمد و شد نمایند و در نتیجه از رونق اقتصادی و تجاری آن کاسته شد.

مختصری درباره تاریخچه کاوشهای باستان شناسی سیراف

آثار باستانی سیراف در جلگه باریکی بطول $4/5$ کیلومتر و عرض 700 متر مشاهده میشود. در شرق و غرب شهر بقایای برج و باروها بر کرانه رودخانه‌های لك لوده و بنك سار بچشم می‌خورد، بیرون از دیوارهای شهر در محوطه‌ای به طول عرض 10×7 کیلومتر بناها و تاسیسات وابسته به شهر به طور پراکنده پدیدار است.

کاوشهای باستان شناسی سیراف از سال 1345 (1966 م) توسط هیئت مشترک باستان شناسی ایران - انگلیس شروع گردید و تا سال 1352 هفت فصل کاوش در این محوطه باستانی صورت گرفت. (67) ریاست این هیئت را آقای دکتر دیوید وایت هاوس بعهده داشته است.

در خلال هفت فصل کاوشهای باستان شناسی هیأت مشترک ایران و انگلیس آناری بشرح زیر حفاری گردید:

قسمتی از يك دژ دفاعی اواخر دوره ساسانی - مسجد جامع سیراف

67 - از سال 1353 مرکز باستان شناسی ایران تصمیم گرفت که کاوشهای سیراف را راساً ادامه دهد بهمین جهت هیئتی مرکب از باستان شناسان ایرانی مستقلاً کاوشهای این محوطه را پی گیری کرد و نتایج ارزنده‌ای نیز بدست آمد که نتیجه آن بزودی منتشر خواهد شد.

مربوط به اواخر قرن دوم هجری - چندین مسجد كوچك مربوط به قرون ۳ و ۴ هجری - قسمتی از يك بازار و حمام از قرن چهارم هجری خانه های مسكونی از قرن - ۷ و ۸ هجری - قسمتی از يك محله اعیان نشین با خانه ها و خیابان و كوچه های منظم از سده های سوم و چهارم هجری ساختمانی با طرح بازلیكا از سده سوم هجری - كوره های سفالگری از قرن چهارم هجری - ساختمانی مشابه كاروانسرا یا زرادخانه یا انبار گمرک از سده چهارم هجری - قسمتی از يك قلعه دفاعی و يك حمام مجاور دیوار غربی شهر - تعدادی آرامگاههای گروهی در ارتفاعات شمالی سیراف از قرون ۳ و ۴ هجری - يك مجموعه ساختمانی كاخ مانند و چند بنای دیگر .

اکنون اشاده مختصری به بعضی بناهای حفاری شده میشود :

دژ ساسانی (محوطه B) :

در بخش تحتانی مسجد جامع سیراف بقایای يك دژ ساسانی و يك مجموعه بیرونی قرار دارد كه تاریخ بنا آن به عصر ساسانی میرسد (۶۸) این قلعه دفاعی تقریباً مربع شكل بوده و ضلع شرقی آن ۵۷ متر طول داشته در بخش شمال قلعه خندق كم عمقی وجود داشت . (۶۹) قسمتهائی از جبهه های جنوبی و شرقی این دژ كاوش گردید ، در جبهه جنوبی يك

۶۸ - مجله بررسیهای تاریخی شماره ۶ ، سال نهم مقاله كاوشهای باستان شناسی

سیراف نوشته دیوید وایت هاوس ، ترجمه حسین بختیاری ص ۸، ۹، ۱۲.

۶۹ - ایضاً مجله بررسیهای تاریخی مقاله كاوشهای باستان شناسی سیراف

ص ۸، ۹، ۱۲،

ورودی باشکوه با برجهای نیم دایره قرارداد، يك برج نیم دایره نیز زاویه جنوب شرقی دژ را محافظت میکرد. (۷۰) احتمال می‌رود که این دژ توسط شاپور دوم بعنوان يك پایگاه دفاعی در ساحل استان فارس - به منظور مقابله با حملات احتمالی طوایف عرب ساخته شده باشد. (۷۱)

مسجد جامع سیراف (محوطه B):

بزرگترین ساختمان عمومی سیراف مسجد جامع می‌باشد که کنار دریا و حوالی مرکز شهر قرار دارد. (۷۲) قدمت این مسجد اندکی بعد از سال ۱۸۸ هجری (۸۰۳/۴ م) می‌باشد و از سه طرف محصور در بازار بود. (۷۳)

محلہ اعیان نشین (محوطه F):

این محلہ در غرب مسجد جامع سیراف واقع شده، خانه‌های حفاری شده این محوطه نمایشگر قسمتی از يك محلہ باشکوه سده‌های سوم و چهارم هجری است که دارای يك خیابان اصلی بعرض چهارمتر و کوچه‌دائی بعرض ۱/۵ متر است. تصور می‌شود که این محله از روی يك طرح اساسی ساخته شده و اعیان نشین بوده، زیرا خانه‌ها بصورتی استوار و پایدار ساخته شده و در ساختمان آنها سنک و گچ بکار رفته و در

Iran , xl .i 1973 و Sasaniaian

۷۱ و ۷۰

Maritime Tradedy : Whitehouse whittehouse.
And Willamson . P 33 - 43

۷۲ - مجله بررسی های تاریخی شماره ۳، سال هشتم مقاله - انه های سیراف

نوشته دیوید وایت هاوس ، ترجمه حسین بختیاری ص ۶۴،

۷۳ - ایضاً مجله بررسیهای تاریخی مقاله باستان شناسی کاوشهای سیراف ص ۲۳،



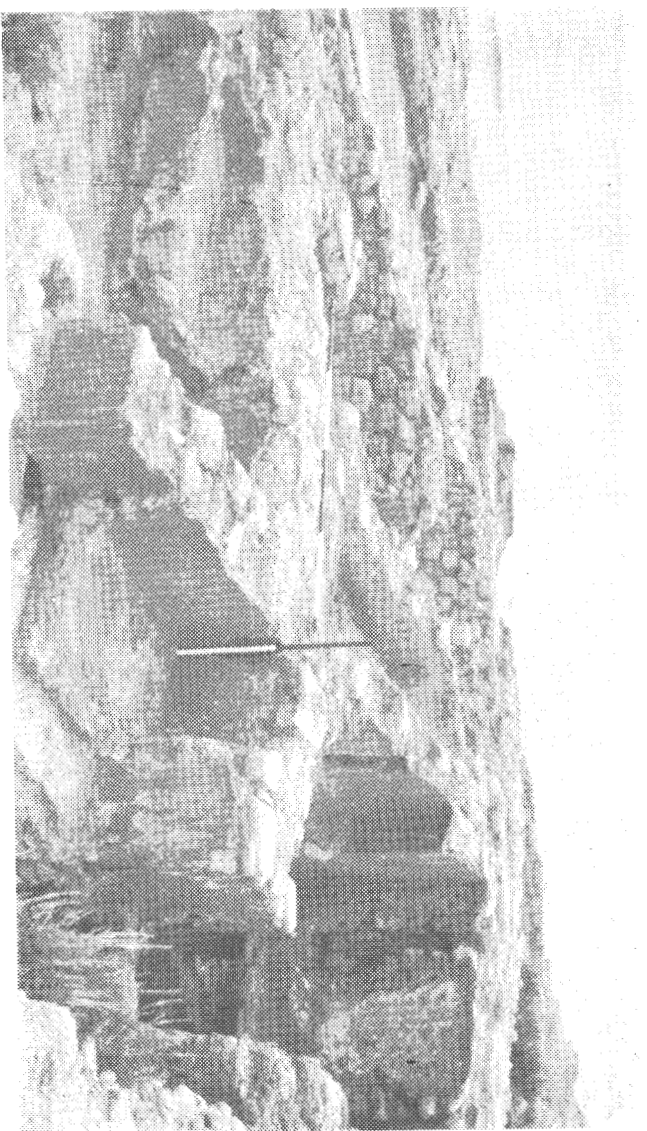
عکس ۱ - محوطه B ، ورودی دژ ساسانی و برج های طرفین آن ، دیدار جنوب غربی



عکس ۲ - معوطه B ، برج زاویه جنوب شرقی دژ ساسانی ، دید از غرب



عکس ۳ - محوطه B ، مسجد جامع سیراف ، دید از جنوب شرقی



عکس ۲ - محوطه C ، قسمتی از حمام قرن چهارم هجری ، دید از شرق

شالوده بیرونی بناسنگهای تراش دار و ملاط ساروج بکار برده اند با احداث پشت بند ها دیوار ها برای تحمل و نگهداری اشکوبهای متعدد به اندازه کافی استقامت داشته و همانطور که اصطخری اشاره می کند خانه های سیراف را می توان با ساختمانهای چند اشکوبه مشهور فسطاط مصر مقایسه کرد. محله مزبور این تصور را درامای انگیزد که در آنجا خانواده های ثروتمندی در محیطی باشکوه و در عین حال پر جمعیت زندگی میکردند. (۷۴)

ساختمانی با طرح باز یلکا (محوطه N) :

این بنا در حومه غربی سیراف و بفاصله ۹۰ متری حصار شهر قرار دارد و بصورت ساختمان منفردی است مربع شکل به ضلع ۱۵/۱۰ متر که توسط پایه ستونها به قسمت نامساوی تقسیم گشته که عبارت میباشد از يك تالار مرکزی و دو تالار فرعی ، در دیوار جنوبی ورودی ها می باشد مشاهده میشود و آثار و علائمی از يك سکوی کوچک در انتهای تالار مرکزی بدست آمد . بنا از قلوه سنگ و ملاط ساروج ساخته شده و طرحی ساده دارد . بیرون بنا را از چهار جانب سکوئی در بر میگیرد و در شمال ساختمان يك رشته پلکان وجود دارد و پلکانی متصل به دیوار شرقی با نقش مشخص ملاحظه میشود. يك حفره مستطیل شکل در کف انتهای سالن مرکزی نمودار است . مدرك قاطعی جهت تعیین قدمت بنا بدست نیامده ، لیکن با توجه به سفال های مکشوفه این عمارت در قرن سوم هجری ساخته شده ، مورد استفاده این بنا مشخص نیست ، با این حال

بدیهی است که این بنا بمنظور استفاده اجتماعی در نظر گرفته شده و نقشه آن که در سیراف مشابه ندارد این احتمال را بوجود آورد که کلیسایی بوده باشد. لکن با توجه باینکه این تعیین هویت از قطعیت بدور است میبایستی آنرا با احتیاط تلقی کرد. (۷۵)

مجموعه ساختمانی نظامی واقع در جنوب غربی سیراف (محوطه J):

در این محوطه که اهالی طاهری آن را بنگ سار میخوانند ساختمانی بزرگ مشابه کاروان سرایا انبار دیده میشود. این بنایک محوطه سوقالجیشی را در بر گرفته که نه فقط خلیج فارس را زیر نظر داشت بلکه بر دیوار شهر نیز مسلط بود. ساختمان مزبور در قرن چهارم هجری بنا شده و با توجه به موقعیت آن احتمالاً بیشتر جنبه زرادخانه داشته تا یک انبار تجارتی. به نظر میرسد که این زرادخانه حملات دشمن را از جانب دریا دفع میکرده و اگر ساختمان مورد بحث را انبار فرض کنیم محلی بود که کالاهای گردآوری شده را در آن نگهداری میکردند زیرا که شهر تحت نظارت مستقیم قوای نظامی بود و چنانکه فرض کنیم که ساختمان مذکور زرادخانه بوده است دال بر افزایش قدرت نظامی در سیراف است و تصور میرود بصورت یک زرادخانه دریائی بوده که توسط دولت آل بویه، برای دفع مهاجمات قرامطیان ساخته شده بود. بنظر میرسد که سیراف در سر لوحه فعالیت های سلسله آل بویه در ایالت فارس

مجموعه ساختمانی کاخ مانند (محوطه K):

در شمال شرقی پشته مرکزی سیراف جایی که پشته بندر شیلا و منتهی میشود و بفاصله تقریبی ۴۰۰ متری مسجد جامع سیراف تعدادی ساختمان جالب حفاری گردیده که وضعیت و ابعاد استثنائی این مجموعه ساختمانی باعث میشود که در مورد آن صفت «کاخ مانند» بکار برده شود. این بناها متعلق به قرن سوم هجری است ولی شالوده آن بر روی آثار تاریخی قرار گرفته که مربوط به عهد ساسانی است و پیدایش سکدهای عهد ساسانی این نظر را تأیید می کند. در این محوطه بخش هائی از پنج ساختمان حفاری گردید. بعضی از این ساختمانها دارای دوحیاط بوده و در بعضی دیگر آثار از طبقه فوقانی دیده میشود. (۷۷)

آرامگاههای گروهي (محوطه O):

در محوطه شیداری مشرف بمنتهی الیه غربی سیراف و در شمال مسجد معروف بمسجد امام حسن بصری گورستانی بزرگ شامل تعداد بیشماری آرامگاه فوق العاده جالب و قبور بسیار وجود دارد. این آرامگاهها احتمالاً از قرون سوم و چهارم هجری و دارای ابعاد مختلفی بین ۱ / ۵ × ۵ / ۵ متر تا حدود ۹ / ۱۰ × ۱۰ متر

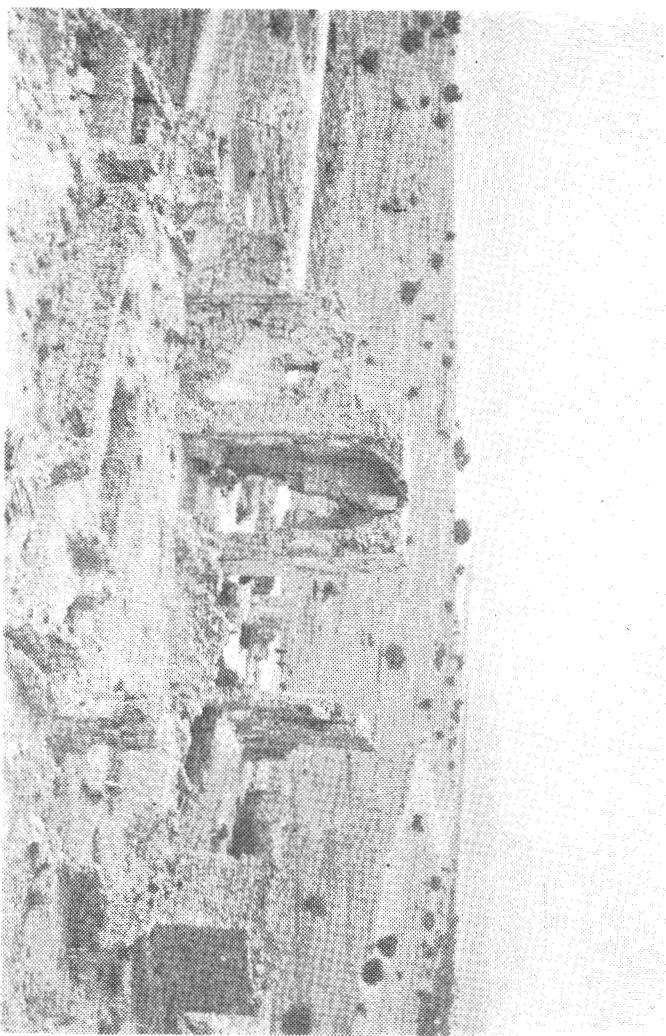
۷۶- مجله بررسیهای تاریخی، مقاله کاوشهای باستان شناسی سیراف، ص ۲۵۱ تا ۲۵۶.

۷۷- مجله بررسی های تاریخی مقاله کاوشهای باستان شناسی سیراف ص ۲۳۴ تا ۲۳۹

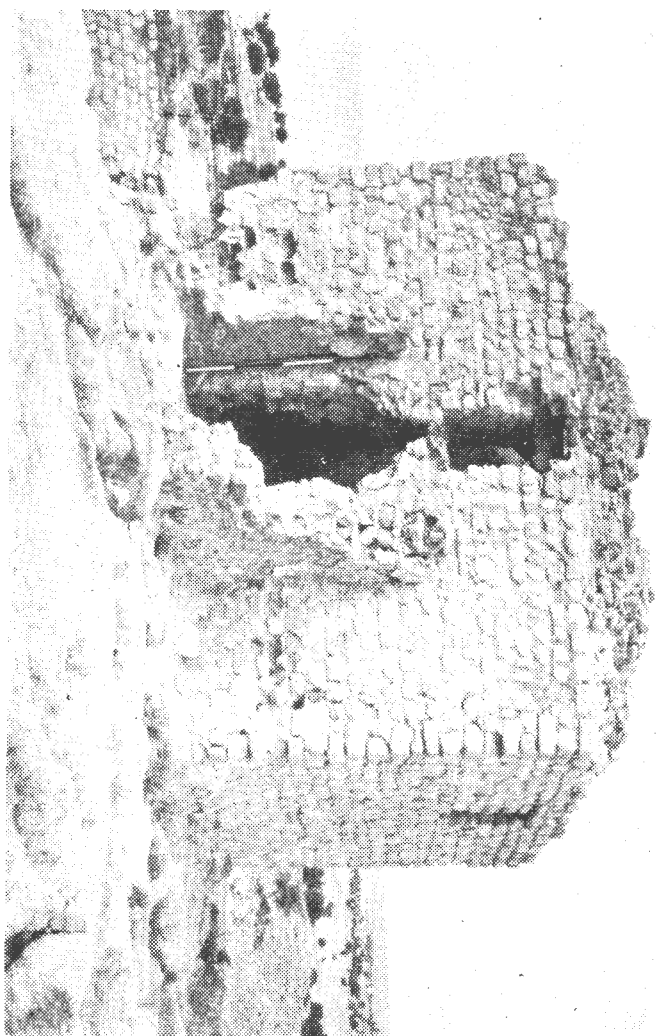
میباشند. ده آرامگاه در این محوطه حفاری گردید، آرامگاههای بزرگ
 از نظر ابعاد قابل مقایسه با آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا بوده
 و آرامگاههای این گورستان مجموعاً وسیع تر از مجموعه آرامگاههای
 شانزده گانه گورستان باستانی «شاهزنده» در سمرقند میباشند و در ۹
 آرامگاه اجساد تقریباً بطور گروهی دفن شده اند. جهت آرامگاهها تقریباً
 شمالی جنوبی است به استثنای آرامگاه K، کاوشهای انجام شده نمایشگر
 یک نوع مراسم تدفین ثابت است که عوامل اصلی آن بدین شرح است:
 الف: جسد بطور کامل در کف آرامگاه قرار داده میشود. ب:
 آرامگاهها به منظور قرار دادن اجساد بطور گروهی بنا شده است، اجساد
 مرد و زن در تمام سنین از جمله اجساد بچه ها در این آرامگاههای
 گروهی دیده شد. ج: جهت اسکلت هاشمائی - جنوبی است، لیکن بعضی
 از آرامگاهها طوری ساخته شده که اجساد در جهات شرقی - غربی قرار
 دارد و در یکی از آرامگاهها (D) اسکلت ها در دو جهت فوق الذکر
 قرار داشتند. در هیچ یک از آرامگاهها کتیبه و نوشته ای بدست نیامده
 و فقط اشیاء بدست آمده مدار کی جهت تعیین قدمت آنها در اختیارمان
 می گذارد. صرف نظر از قدمت قدیم ترین آرامگاه منطقه O نمیتوان
 از این نتیجه گیری غافل شد که این گورستان در دوره اسلامی مورد استفاده
 قرار گرفته، زیرا اشیائی که از این آرامگاهها در دست داریم از قرون
 ۳ و ۴ هجری است، ابعاد این آرامگاه ها دال بر آنست که این بناها توسط
 جامعه ای ساخته شده که ثروتمند و مرفه بوده اند، مراسم تدفین در این
 آرامگاهها نمایشگر مسائل گوناگون است، چنانچه آرامگاههای



عکس ۵ - مجموعه A ، خیابان ، کوچه ها و خانه های محله ایبانی از قرن سوم و چهارم هجری ، دیزا از شمال شرقی



عکس ۶ - معرطه ج ورودی مسجد امام حسن بصری، از قرن ۷ و ۸ هجری دید از شمال شرقی



عکس ۷ — محوطه H ، بنای معروف به امام زاده یا گنبد سیرافی ، دید از شرق



عکس ۸ - نمای عمومی آراءگاههای گروهی و قبور انفرادی ، دید از شمال شرقی

مزبور توسط مسلمانان یا گروههای بظاهر مسلمان مورد استفاده قرار می‌گرفته بنظر میرسد که این مردم بامراسمی سروکار داشته‌اند که با عقاید همدینان آنها مغایرت داشته اگر آرامگاههای مزبور توسط غیر مسلمانان مورد استفاده قرار می‌گرفت باز در این صورت بامشکل هویت آنها روبرو هستیم، بطریق دیگر بنظر میرسد که اهالی متنفذ سیراف دارای آداب و رسوم ویژه‌ای بوده‌اند که از نظر اکثریت مسلمین آن شهر عجیب و فوق‌العاده جلوه‌مینمود. این گونه مراسم تدوین نه تنها از نظر مسلمین قابل قبول نبود بلکه در مورد مسیحیان و یهودیان نیز مصداق ندارد. بهر حال این گورستان قدیمی که شامل آرامگاههای گروهی و قبور افرادی بوده و بعضی از آنها بدون شک اسلامی است نشانه جنبشی است در احیاء سنت های ایرانی که توسط دولت آل بویه پشتیبانی میشده است، بعنوان يك فرضیه تصور آنست که گورستان مزبور مورد استفاده جامعه‌ای بظاهر مسلمان بوده که اعضاء آن با آداب و رسوم نامتجانسی که منعکس کننده نوعی تشریفات تدفینی غیر اسلامی بود سروکار داشته‌اند!

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - اخبار الطوال : ابو حنیفه دینوری ، ترجمه صادق نشأت ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، تهران .
- ۲ - احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم : مقدسی ، طبع لیدن ، ۱۹۰۶ .
- ۳ - التنبیه والاشراف : مسعودی ، چاپ بیروت ، ۱۹۶۸ .
- ۴ - البلدان ابن فقیه ، ترجمه ح - مسعود ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، چاپ تهران .
- ۵ - الممالک والممالک اصطخری ، طبع لیدن : ۱۹۲۷ .
- ۶ - انساب سمعانی ، چاپ عکسی .
- ۷ - المنتظم فی تاریخ الملوک والامم : ابن جوزی ، چاپ حیدر آباد دکن ، ۱۳۵۷ .
- ۸ - المکامل ابن اثیر ، جلد ۹ ، چاپ بیروت ، ۱۹۶۶ :
- ۹ - تاریخ سیستان ، تصحیح ملک الشعرای بهار ، انتشارات مؤسسه خاور ، چاپ تهران ، ۱۳۵۲ .
- ۱۰ - تاریخچه اثر زبان تازی در میان ایرانیان پس از اسلام : قاسم توپسرکانی ، انتشارات دانشسرای عالی ، چاپ تهران ، ۱۳۵۰ .

- ۱۱ - تاریخ تمدن اسلامی : جرجی زیدان ، اهتمام و ترجمه ابراهیم قمی ، جلد ۲ ، ۱۳۲۹ .
- ۱۲ - تاریخ ادبیات ایران : دکتر ذبیح اله صفا ، جلد اول ، انتشارات کتابفروشی ابن سینا ، چاپ تهران ، ۱۳۳۸ .
- ۱۳ - تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن : ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی ، ترجمه احمد آرام ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۲ .
- ۱۴ - حدود العالم ، تصحیح و اهتمام سید جلال الدین طهرانی ، مطبعه مجلس ، ۱۳۵۲ .
- ۱۵ - ریحانه الادب : محمد علی مدرس ، جلد سوم ، چاپ تبریز .
- ۱۶ - سمینار خلیج فارس ، جلد اول ، سخنرانی سلطانعلی بهبهانی ، بنادر ایران در خلیج فارس ، انتشارات وزارت اطلاعات ، چاپ تهران ، ۱۳۴۱ .
- ۱۷ - صورة الارض : ابن حوقل ، ترجمه دکتر جعفر شعار ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، چاپ تهران .
- ۱۸ - عجایب المخلوقات : محمد بن محمود بن احمد طوسی ، به اهتمام دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب . چاپ تهران ۱۳۴۵ .
- ۱۹ - عرایس الجواهر و نفایس الاطایب : ابوالقاسم عبداله کاشانی ، بکوشش ایرج افشار ، انتشارات انجمن آثار ملی ، چاپ تهران .

- ۲۰ - عجایب هند: فاخدا بزرگ شهریار رامهزمزی، ترجمه محمد ملک زاده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ تهران، ۱۳۴۸.
- ۲۱ - فارسنامه ابن بلخی، به اهتمام گای لیسترانج و رینولدالن نیکلسون، چاپ کمبریج، ۱۹۲۱.
- ۲۲ - فتوح البلدان: احمد بن یحیی بلاذری، ترجمه د کتر آذرتاش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ تهران.
- ۲۳ - فرهنگ ایران زمین، جلد ۱۸، مقاله دریانوردی در خلیج فارس به قلم توماس ریکس، چاپ تهران، ۱۳۵۱.
- ۲۴ - مجله یادگار، شماره ۴، مقاله سیراف قدیم: عباس اقبال، ۱۳۲۴.
- ۲۵ - معجم البلدان: یاقوت حموی، جلد سوم، چاپ بیروت، ۱۳۷۶.
- ۲۶ - مروج الذهب ومعادن الجواهر: ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ تهران.
- ۲۷ - مسالك و ممالك: اصطخری، (ترجمه فارسی)، بکوشش ایرج افشار، انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ تهران، ۱۳۴۷.
- ۲۸ - مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس: عباس اقبال، چاپ تهران، ۱۳۲۸.
- ۲۹ - مجله باستانشناسی و هنر، مقاله تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و قرون اول و دوم هجری: اندریو ویلیامسون، شماره ۱۰ و ۹، ۱۳۵۱.
- ۳۰ - مجله بررسیهای تاریخی، مقاله خانه‌های سیراف: د کتر

دیوید وایت هاوس ، ترجمه حسین بختیاری ، شماره ۳ ، سال هشتم .

۳۱- مجله بررسیهای تاریخی ، مقاله کاوشهای باستانشناسی

سیراف : دیوید وایت هاوس ، ترجمه حسین بختیاری ، شماره ۶ سال نهم.

۳۲- نزهة القلوب : حمداله مستوفی ، اهتمام گای لستر نیچ ،

۱۹۱۳ . طبع لیدن ،

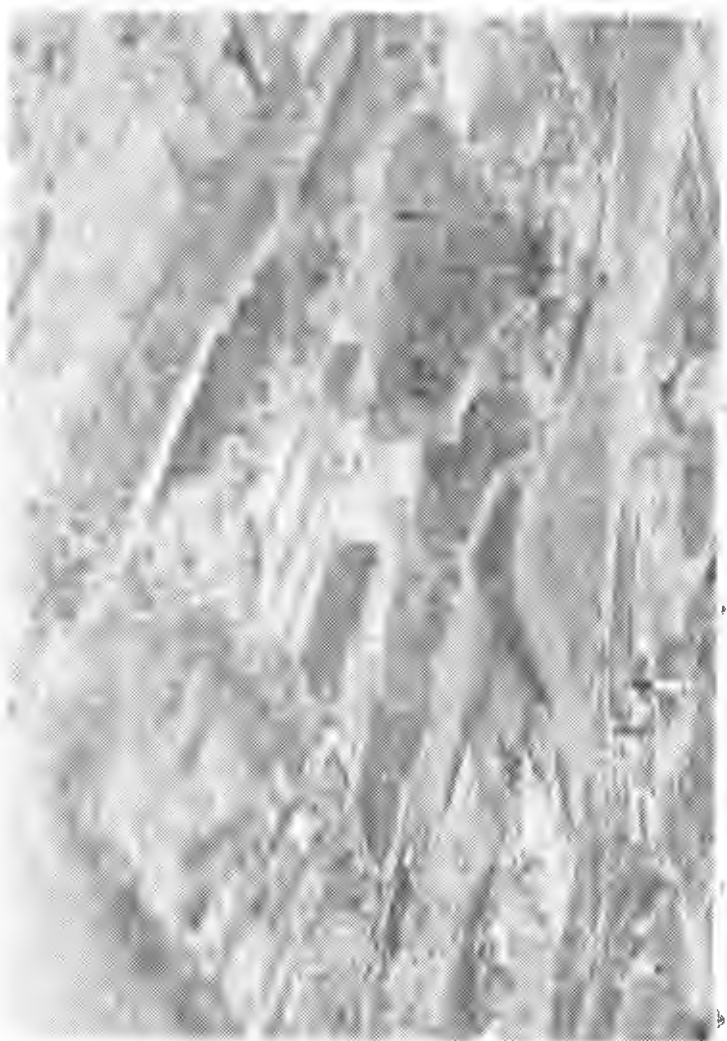
۳۳- هدیه الاحباب ، تألیف حاج شیخ عباس قمی ، مؤسسه مطبوعاتی

امیر کبیر ، چاپ تهران .

Iran, X1, 1973 , Sasanian Waritime - ۳۴

Trade, By: David Whitehouse and Andrew

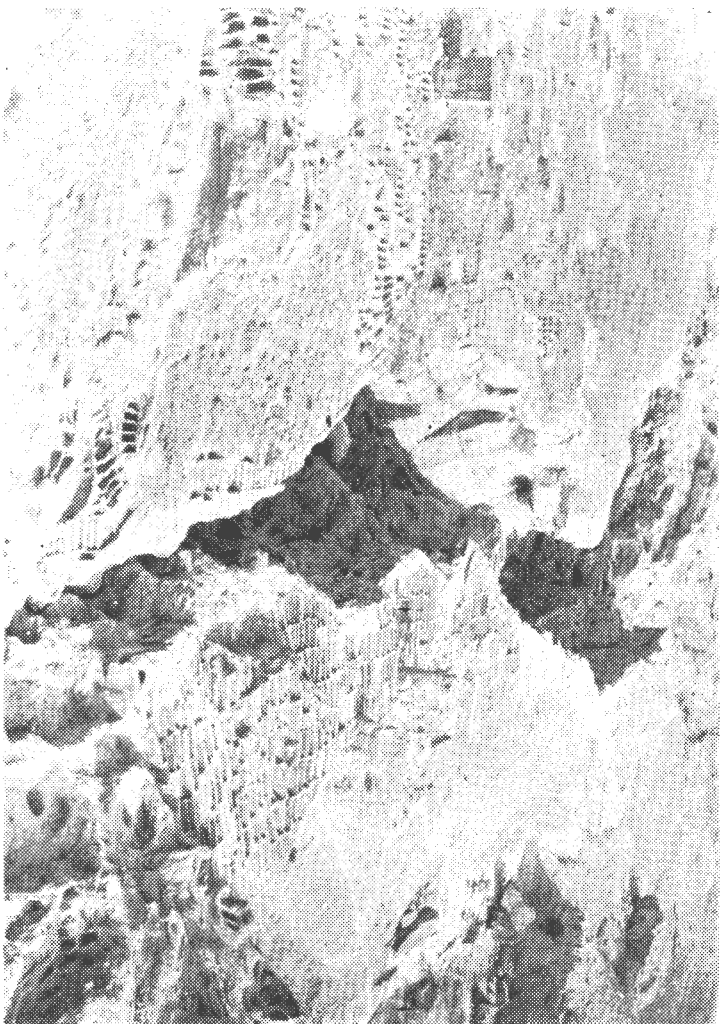
Journal Asiatique Tome ccll . 1923 . -۳۵



تکس ۹ - محدوده O ، آرامگاه گروهي E ، از قرن ۳ و ۴ هجري ، ديد از جنوب شرقي



عکس ۱۰ — محوطه ○ آرامگاه D ، از قرن ۴ و ۳ هجری دید از شمال



عکس ۱۱ — قبرستان بزرگ سیراف ، با قبور صخره‌ای دارای جهات شمالی — جنوبی و شرقی — غربی ، دیده از جنوب



عکس ۱۲ - قبرستان یزرگسیراف ، تعدادی از قبور صخره‌ای با جهات شرقی - غربی دیده از جنوب

با کمال معذرت اشتباهات چاپی زیر در کتاب موجود است
خواهشمند است قبل از مطالعه اصلاح فرمایند

صفحه	سطر	نادرست	درست
مقدمه ناشر	۱۶	هیئانی	هیائی
»	۱۸	که	•
»	۲۰	غربی	شرقی
»	۲۰	۳۰۰	۲۵۰
۱	۱۱	بازگانی	بازرگانی
۱	۱۹	برخاستند	برخاسته
۱	۲۰	قضات	قضاوت
۲	۷	منجمر	منحصر
۲	۱۲	حسن	حسین
۳	۹	بوضوح	بوضوح
۴	۲	شیلا	شیلاو
۵	۱۱	کر	ذکر
۶	۲	آثار	آثار
۸	۲	دنیا	دینار
۹	۳	معجم البلردان	معجم البلدان
۹	۱۸	آثار	آثار
۱۰	۳	نزهة القوب	نزهة القلوب
۱۰ (پاورقی)	۲	نزهة القلوب	نزهة القلوب
۱۲	۹	دنینار	دینار

صفحہ	سطر	نا درست	درست
۱۳	۷	حملہ	جملہ
۱۹	۱۱	منسوب	منسوب
۲۱	۳	شاذان	شادان
۲۱	۶	زید بود	زید بود
۲۲	۳	ما فنا	ما فنا
۲۳	۱۰	اجراتی	اجرتی
۲۳	۱۴	خوش	خوش
۲۴	۸	اخبار النجاء	اخبار النجاء
۲۵	۳	ابن جنی	ابن جنی
۲۷	۳	معروفین	معروف ن
۲۹	۱	عمیدالین	عمیدالدین
۲۹	۱۶	فضا	قضا
۳۰	۵	شمال	ثمال
۳۱	۴	مجری	هجری
۳۱	۱۳	شیوخ	شیوع
۳۲	۱۵	بودند	بروند
۳۲	۱۶	ابن بلی	ابن بلخی
۳۲ (پاورقی)	۱	البته	التنبیه
۳۳	۱	کیس	قیس
۳۵	۱۵	دفاعی	دفاعی
۳۶ (پاورقی)	۲	Tradedy	Trad و by

صفحه	سطر	فاد درست	درست
۳۶ (پاورقی)	۲	whitehouse	Whitehouse
		Whiftehouse	
۴۷	۷	بازیلکا	بازیلکا
۳۷	۱۶	مشخص	نامشخص
۳۸	۱۱	زادخانه	زراذخانه
۴۱	۸	تدوین	تدفین
۴۱	۱۵	!	! (۷۸)
۴۲	۸	المالك	المسالك
۴۲	۱۲	المکامل	الکامل
۴۲	۱۵	از	از
۴۳	۱۰	ریحانه	ریحانه
۴۳	۱۲	وزارات	وزارت
۴۴	۱۰	معجم البدان	معجم البلدان
۴۴	۸	Waritime	Maritime
۴۴	۹	Andrew	Andrew – Willamson

به مناسبت هشتمین جشن فرهنگ و هنر در استان بوشهر